مهلت یک ماهه به قاتل مادر و فرزند

مرد جنایتکار که مدیر عامل شرکت کاریابی و پسر او را در دو حادثه جداگانه به قتل رسانده است پای چوبه‌دار موفق به گرفتن مهلت یک‌ماهه از اولیای دم شد.

به گزارش جوان، ساعت ۱:۳۰ بامداد ۲۷ اسفندسال ۹۴ بود که مأموران کلانتری انقلاب با تماس دختر جوانی از قتل زن میانسالی در دفتر کارش حوالی میدان انقلاب با خبر و راهی محل شدند. مأموران در محل حادثه که شرکت خدماتی و کاریابی بود با جسد زن ۴۹ساله‌ای به نام ستاره روبه‌رو شدند که با ضربات چاقو و فشار بر عناصر گردن به قتل رسیده بود. دختر مقتول به مأموران گفت: مادرم مدتی قبل از پدرم جدا شد و در شرکت همراه برادرم زندگی می‌کرد تا اینکه برادرم، میلاد به صورت غیرقانونی به واسطه کارگر خدماتی شرکت مادرم به عراق رفت و از آن زمان مادرم تنهایی در این محل زندگی می‌کرد. چند روزی بود از مادرم خبری نداشتم و به تلفن‌های من جواب نمی‌داد که به دفتر کارش آمدم و با این صحنه روبه‌رو شدم.

بدین ترتیب با اعلام خبر قتل زن میانسال تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی به دستور بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران برای بررسی موضوع وارد عمل شدند.

کارآگاهان در نخستین گام به کارگر خدماتی شرکت که ایرج نام داشت مشکوک شدند و دریافتند وی پس از حادثه به طرز مرموزی ناپدید شده است. از طرفی هم پدر میلاد به مأموران گفت: من به سرنوشت پسرم مشکوک هستم چون او ۳۵۰میلیون تومان پول همراه داشت و الان احتمال می‌دهم ایرج دروغ گفته باشد که میلاد را به کشور عراق فرستاده است. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت به مأموران خبر رسید ایرج برای کار از شهرستان به تهران آمده و در شرکتی حوالی سعادت‌آباد مشغول به کار شده است.

■ دستگیری قاتل

بنابراین مأموران، مرد مظنون را بازداشت کردند و مورد بازجویی قرار دادند. متهم ابتدا در بازجویی‌ها قتل زن میانسال را منکر شد اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو شد به قتل صاحب شرکت و پسرش در دو حادثه جداگانه اعتراف کرد.

وی درشرح قتل مادر و پسر گفت: سال ۸۷ به عنوان کارگر خدماتی در شرکت مقتول که آن زمان همراه پسرش میلاد اداره می‌کرد، استخدام شدم. من خیلی زود توانستم اعتماد مدیر شرکت را بدست بیاورم به طوریکه او حتی کلید گاوصندوق شرکت را هم به من داده بود. من علاوه بر کارخدماتی با وانتی که ستاره برای من خریده‌بود کالای قاچاق هم از شهرهای غربی کشور به تهران می‌آوردم و می‌فروختم و سود آن را بین هم تقسیم می‌کردیم.

متهم ادامه داد: میلاد بهمن‌سال قبل با دو نفر درگیری داشت و به همین خاطر تحت تعقیب مأموران بود که به بوکان آمد تا من او را به صورت غیرقانونی به کشور عراق بفرستم. او چند روزی مهمان خانه من شد که به رفتارهای او مشکوک شدم و او را به بهانه شکار به دشت‌های حوالی سقز بردم و آنجا با شلیک گلوله به قتل رساندم. پس از این به تهران آمدم و به مادرش گفتم که میلاد را به عراق فرستادم. از آنجایی که ستاره مقدار زیادی پول برای سرمایه‌گذاری به من داده‌بود وقتی به تهران برگشتم به ستاره پیشنهاد ازدواج دادم اما او قبول نکرد. شب حادثه او از من خواست به شرکت بروم و آن شب دوباره به ستاره پیشنهاد ازدواج دادم که خیلی ناراحت شد و شروع به داد و فریاد کرد. ابتدا گلویش را گرفتم و او همچنان فریاد می‌زد که با چاقو او را زخمی کردم و سپس روسری به گردنش انداختم و خفه‌اش کردم.

پس از قتل از گاوصندوقش مدارکم و ۱۷۰هزار تومان پول برداشتم و به شهرستانمان فرار کردم تا اینکه دوباره برای کار به تهران آمدم و دستگیر شدم. متهم پس از تحقیقات تکمیلی در شعبه‌هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه و به دوبار قصاص محکوم شد. رأی دادگاه پس از تأیید در دیوان عالی کشور برای سیر مراحل قانونی به شعبه اجرای احکام دادسرای امور جنایی تهران فرستاده شد. متهم پس از گرفتن استیذان حکمش قرار بود چند روز دیگر در زندان رجایی‌شهر با چوبه‌دار قصاص شود که اولیای‌دم با گذاشتن شرایطی به وی مهلت یک‌ماه دادند. بنابراین متهم یک‌ماه فرصت دارد تا رضایت اولیای‌دم را جلب کند که قصاص نشود.

دام سیاه وکیل قلابی برای زنان شاکی

وکیل قلابی که با پرسه مقابل ساختمان‌های دادگستری زنان را به بهانه پذیرش وکالتشان فریب داده و اموال آنها را سرقت کرده‌است، سرانجام بازداشت شد.

به گزارش جوان، ۱۴مهرماه امسال بود که به مأموران پلیس تهران خبر رسید زن جوانی در یکی از اتاق‌های زائرسرای امامزاده داوود در حالت بیهوشی پیدا شده و به بیمارستان منتقل شده است. با حضور مأموران پلیس در بیمارستان تحقیقات در این باره به جریان افتاد. وقتی زن جوان توانست لب به سخن باز کند، گفت: مدتی بود که با شوهرم اختلاف پیدا کرده بودم.

وقتی دامنه اختلاف ما بالا گرفت تصمیم گرفتیم که از هم جدا شویم. من برای اجرا گذاشته مهریه‌ام راهی دادگاه شدم. وقتی مقابل ساختمان دادگستری رسیدم از مردی که اوراق دادگستری به دست داشت درباره نحوه اجرا گذاشتن مهریه سؤال کردم. آن مرد گفت که وکیل دادگستری است و وکالت پرونده‌های زیادی را در این باره به عهده داشته است. بعد از آن بود که من ماجرای اختلاف خودم با شوهرم را برای آن مرد توضیح دادم. او هم بعد از شنیدن شرح حال گفت که در قبال گرفتن ۳۰۰هزار تومان به عنوان پیش پرداخت می‌تواند وکالت من را قبول کند که من هم به حرفش اعتماد کردم و پول را برایش کارت به کارت کردم. آن مرد از من خواست که روز بعد به دفتر وکالت او بروم تا قرار داد پرونده را امضا کنیم. یک روز بعد وقتی با تلفن همراهش تماس گرفتم گفت به خاطر حضور همکارش نمی‌تواند قرار داد را با من امضا کند چون در صورت حضور من باید بخشی از تعرفه قرار داد را به همکارش بدهد. او با من در یکی از اتاق‌های زائرسرای امامزاده داوود قرار گذاشت و خواست که برای امضای قرار داد و حرف زدن درباره نحوه اجرای کار به آنجا بروم که از این حرف تعجب کردم اما با این حال به حرفش اعتماد کردم.

زن جوان ادامه داد: امروز مطابق قراری که با آن مرد داشتم راهی امامزاده داوود شدم. وقتی وارد اتاقی که در اختیارش بود شدم به من آبمیوه تعارف کرد. وقتی آبمیوه را خوردم ناگهان سرم گیج رفت و بیهوش شدم. وقتی به‌هوش آمدم خودم را روی تخت بیمارستان دیدم و متوجه شدم پول، طلا و گوشی تلفن همراهم که در مجموع ۱۰۰میلیون تومان قیمت داشت سرقت شده‌است که از آن مرد شکایت دارم.

بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور قاضی علی وسیله‌ایرد موسی، بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره‌پنجم پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان در اولین گام از یکی از مسئولان زائرسرا تحقیق کردند. او گفت: من روز حادثه وقتی برای سرکشی به اتاق رفتم با پیکر بیهوش این زن مواجه شدم و امدادگران اورژانس را با خبر کردم. او گفت که از هویت مردی که اتاق را اجاره کرده‌بود خبری ندارد. در شاخه دیگری از تحقیقات کارآگاهان پلیس با بررسی شماره تماس متهم و شماره حسابی که پول به حساب وی واریز شده‌بود موفق شدند متهم را که مردی ۳۵ساله بود، شناسایی کنند و تحت تعقیب قرار دهند. تحقیقات پلیس در این باره در جریان بود تا اینکه مخفیگاه متهم شناسایی و متهم روز گذشته بازداشت شد.

او بعد از انتقال به شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت توسط قاضی علی‌وسیله‌موسی بازجویی شد. متهم گفت: من از مدتی قبل تصمیم گرفتم که به این شیوه از زنان سرقت کنم. وی گفت: من و همسرم در حالی که دو فرزند داشتیم از هم جدا شدیم. پسرم با من زندگی می‌کند و سرپرستی دخترم هم به عهده همسرم است. متهم ادامه داد: من قبلاً به اتهام مالخری بازداشت شده و به زندان افتاده بودم. بعد از تحمل دو سال حبس و آزادی از زندان این شیوه سرقت را انتخاب کردم. مقابل ساختمان‌های دادگستری خصوصاً دادگاه‌های خانواده پرسه می‌زدم. با اوراقی که از دادگستری جعل کرده‌بودم خودم را وکیل معرفی می‌کردم و زنانی را که در جست‌وجوی وکیل بودند شناسایی و بعد آنها را به محل‌هایی که از قبل تعیین کرده‌بودم، می‌کشاندم و بعد از بیهوش کردن آنها با شربت مسموم اموال‌شان را سرقت می‌کردم.

بعد از اعتراف متهم بود که وی به دستور بازپرس برای کشف جرائم بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره‌پنجم پلیس آگاهی قرار گرفت.

۸سال زندان مجازات قتل پدر و خواهر

پسری که به اتهام قتل پدر و خواهرش محاکمه و به‌قصاص محکوم شده‌بود، موفق به جلب رضایت اولیای دم و فاصله گرفتن از مجازات مرگ شد. او روز گذشته برای دومین بار محاکمه و از جنبه عمومی جرم به هشت‌سال زندان محکوم شد.

به گزارش جوان، این پرونده ۱۶فروردین‌سال ۹۴، با اعلام خبر مرگ دو عضو یک خانواده به مأموران کلانتری ۱۰۷ خیابان فلسطین به جریان افتاد. پسر جوان در تماس با مأموران گفت: «شب حادثه به خانه یکی از دوستانم رفته بودم. نیمه‌های شب بود که به خانه برگشتم و دیدم خواهرم خودش را از لوستر حلق‌آویز کرده‌است. به آشپزخانه رفتم و دیدم پدرم نیز خونین روی زمین افتاده‌است. بلافاصله یک قیچی برداشتم و طنابی که خواهرم با آن خودش را حلق‌آویز کرده‌بود، بریدم. فکر کردم هنوز زنده‌است اما بی‌فایده بود و صورتش کبود بود. احتمال می‌دهم او بعد از کشتن پدرم خودکشی کرده‌است.»

بعد از این توضیحات، مأموران به محل حادثه اعزام شدند و بعد از انتقال جسد به پزشکی قانونی در تحقیقات میدانی دریافتند همین شب قبل حادثه با خواهرش درگیر شده بود. به این ترتیب پسر جوان بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت تا اینکه به قتل پدر و خواهرش اعتراف کرد. او در شرح ماجرا گفت: «مادرم به خاطر بیماری سرطان فوت کرده‌بود و به همین خاطر با خواهر و پدرم زندگی می‌کردم. پدرم پزشک بود و خیلی در خانه نبود به همین دلیل با خواهرم ساعت‌ها در خانه تنها بودیم تا اینکه روز حادثه سرعوض کردن کانال تلویزیون با هم بحثمان شد.»

متهم در خصوص قتل گفت: «آن روز خواهرم مشغول تماشای تلویزیون بود که از او خواستم کانال تلویزیون را عوض کند اما قبول نکرد. خودم کنترل تلویزیون را برداشتم که عصبانی شد و کار به درگیری کشید. در آن درگیری خواهرم داد و فریاد می‌کرد به همین دلیل دستش را گرفتم و به اتاقش بردم. او از اتاق بیرون آمد و با چاقوی آشپزخانه حمله کرد. چاقو را گرفتم و بار دیگر او را به اتاقش بردم. همان لحظه دیدم دستم زخمی شده به همین دلیل عصبانی شدم و به اتاق رفتم، سپس با کش گلویش را فشار دادم تا اینکه بیهوش شد. او هنوز زنده بود که پدرم از سر کار به خانه آمد و سراغ خواهرم را گرفت. نمی‌دانستم چه جوابی به او بدهم به همین دلیل از ترس چاقو را برداشتم و چند ضربه به شکم و سینه پدرم زدم. بعد از قتل پدرم به اتاق رفتم و با یک طناب گلوی خواهرم را فشار دادم تا اینکه از نفس افتاد.» متهم در آخر گفت: «برای گمراه کردن پلیس قسمتی از طناب را بریدم و آن را به میله لوستر بستم تا همه فکر کنند خواهرم خودکشی کرده‌است. بعد از آن خانه را ترک کردم و همراه دوستم به سینما رفتم.»

با اقرارهای متهم، پسر جوان راهی زندان شد و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات و صدور کیفرخواست به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده‌شد. در اولین جلسه رسیدگی به پرونده، متهم با درخواست اولیای‌دم به قصاص محکوم شد. این حکم در دیوان عالی کشور تأیید و در حالیکه در آستانه اجرا بود، اولیای‌دم بدون هیچ قید و شرطی اعلام گذشت کردند. به این ترتیب هومن این‌بار از جنبه عمومی جرم در همان شعبه به ریاست قاضی زالی محاکمه شد. متهم در آخرین دفاعش گفت: «باور کنید نقشه‌ای برای قتل نداشتم. پشیمانم و عذاب وجدان رهایم نمی‌کند. از اولیای‌دم و هیئت قضایی تقاضای بخشش دارم.»

در پایان هیئت قضایی بعد از شور متهم را به هشت‌سال حبس محکوم کرد.

خواستگار کینه‌جو در فضای مجازی تهدید به اسیدپاشی می‌کرد

خواستگار کینه‌جو پس از ناکامی در ازدواج با فرد مورد علاقه‌اش با ایجاد صفحات جعلی در شبکه‌های اجتماعی زن جوان و فرزندانش را تهدید به اسیدپاشی می‌کرد که بازداشت شد.

به گزارش جوان، هفتم آذرماه امسال زن جوانی با مراجعه به دادسرای مبارزه با جرائم یارانه‌ای ناحیه ۳۱ تهران از مردی ناشناس شکایت کرد و گفت: «چند ماه قبل شخصی در تلگرام پیامک داد و خودش را یکی از اقوام معرفی کرد. از آیدی این شخص فکر کردم خانم باشد تا اینکه در پیامک‌های بعدی با اطلاعاتی که از خودش می‌داد متوجه شدم هویت او جعلی است و از خواستگاران قبلی‌ام است.» این زن ۳۹ساله ادامه داد: «از آنجائیکه ازدواج کرده‌ام دارای چند فرزند هستم به آن فرد هشدار دادم که ارتباطش را قطع کند که توجهی نکرد.» شاکی ادامه داد: «مزاحمت‌های این فرد ادامه داشت تا اینکه با فرستادن پیامکی من و فرزندانم را تهدید به اسیدپاشی کرد. این موضوع باعث اختلاف خانوادگی شده است به همین خاطر از مرد مزاحم شکایت دارم.»

بعد از مطرح شدن شکایت کارآگاهان پلیس فتا دست به تحقیق زده و سرانجام متهم ۴۲ساله را در شهرستان شهریار شناسایی و بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: «چند سال پیش خواستگار شاکی بودم اما جواب رد شنیدم. به خاطر علاقه‌ای که به او داشتم کینه کردم تا اینکه فهمیدم او ازدواج کرده و صاحب چند فرزند است. آنجا بود که برای از هم پاشیدن زندگی او با تشکیل آیدی جعلی به او پیامک دادم اما پشیمانم و درخواست گذشت دارم.»

سرهنگ تورج کاظمی، رئیس پلیس فتای تهران بزرگ گفت: «متهم در بازجویی‌های بعدی گفت از روی علاقه به آن زن او را تهدید کرده‌است اما انگیزه‌ای برای اجرایی کردن آنها نداشته است. قصد او انتقام روحی از شاکی و خانواده‌اش بوده است.»

تأمین امنیت انتخابات پایتخت با به‌کارگیری ۱۴ هزار پلیس

فرمانده انتظامی تهران بزرگ گفت که امنیت ۴۵۵۲ شعبه اخذ رأی تهران با حضور ۱۴هزار پلیس تأمین می‌شود.

سردار حسین رحیمی در حاشیه همایش آموزش مسئولان انتظامی شعب اخذ رأی که صبح دیروز در ستاد فرمانده انتظامی تهران بزرگ برگزار شد به خبرنگاران گفت: این جلسه با هدف توجیه و آموزش به فرماندهان و مسئولان امنیت انتخابات برگزار شد و امیدوارم که بتوانیم امنیت انتخابات روز جمعه را به بهترین شکل تأمین کنیم.

وی با بیان اینکه در حوزه استحفاظی فرمانده انتظامی تهران بزرگ ۴۵۵۲ شعبه اخذ رأی واقع شده است اظهار کرد: برای تأمین نظم و امنیت این شعب ۱۴ هزار نیرو پیش‌بینی شده و تیم‌های ویژه اطلاعاتی پلیس فعال هستند. علاوه بر آن بحث نظم و امنیت ترافیکی نیز جزو اولویت‌های ماست و تمام تلاشمان را در این زمینه نیز به کار خواهیم بست تا مردم به امور روزانه خود نیز برسند.

رئیس پلیس پایتخت ابراز امیدواری کرد تا پلیس بتواند با تمهیدات انتظامی و ترافیکی که ویژه انتخابات روز جمعه در نظر گرفته شده بتواند امنیت خوبی را در سطح شهر برقرار کند. سردار رحیمی با بیان اینکه نیروی انتظامی برای انتخابات در آماده‌باش کامل است، در پاسخ به پرسشی در مورد برخورد پلیس با تخلفات انتخاباتی نیز اظهار کرد: طی این مدت دو یا سه مورد اتفاق داشتیم که البته همه عوامل مرتبط با آن دستگیر شدند که سه‌نفر بودند و دو نفرشان هم سابقه‌دار بودند. البته این موارد نیز چندان موارد پیچیده و قابل ذکری نبوده و در حد پاره کردن بنر از سوی رقبا بوده‌است. برخی از تخلفات در بخش فضای مجازی هم بوده که چندان مسئله قابل ذکری نداشته است.

سردار رحیمی، سلامت و امنیت و مشارکت را سه‌اصل پلیس در انتخابات پیش‌رو برشمرد و گفت: تمام تلاش پلیس این است که این انتخابات با مشارکت بالا در امنیت کامل و با سلامت برگزار شود.

بازداشت سارق پارکور کار با ۵ کاپشن رنگی

مأموران پلیس در جریان تعقیب و گریز با سارقان گوشی‌قاپ، یکی از آنها را که از ورزشکاران پارکورکار است بازداشت و پنج کاپشن رنگی از تنش خارج کردند.

به گزارش جوان سرهنگ شاپور بهرامی، رئیس کلانتری ۱۰۱ تجریش گفت: ۲۸بهمن امسال زن جوانی در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ از به سرقت رفتن گوشی تلفن همراهش خبر داد و گفت که گوشی او از سوی دو سارق موتورسوار سرقت شده است. همزمان با اعلام مشخصات دو سارق به واحدهای گشت، یکی از تیم‌های کلانتری هنگام گشت‌زنی حوالی پارک‌وی با دیدن دو سارق به آنها هشدار دادند. سارقان اما با دیدن مأموران پا به فرار گذاشتند و عملیات تعقیب و گریز به جریان افتاد تا اینکه موتورسیکلت آنها پس از تصادف با یک پراید عبوری متوقف شد. همزمان با حضور پلیس در محل یکی از سارقان موفق شد پای پیاده فرار کند اما راکب موتور در محاصره پلیس گرفتار شد. او برای فرار از دست پلیس با قمه به مأموران حمله کرد اما با تلاش پلیس وی بازداشت شد. مأموران در بازرسی از متهم چهار گوشی سرقتی و یک کوله پشتی کشف کردند. مأموران پلیس همچنین در بازرسی بیشتر از متهم متوجه شدند که او پنج کاپشن رنگی به تن دارد. همچنین در بازرسی از کوله‌پشتی وی هم هفت کاپشن دیگر کشف شد. متهم وقتی مورد بازجویی قرار گرفت گفت که برای ارتکاب سرقت تا جایی که امکان داشت کاپشن به تن می‌کرد و بعد از هر سرقت کاپشن رویی خود را داخل کوله پشتی قرار می‌داد تا به راحتی شناسایی نشوند.

متهم در بازجویی‌های بیشتر گفت: من عضو یک باند هفت‌نفره سرقت هستم. شش نفر از اعضای باند به صورت دو نفره سرقت می‌کنیم و سردسته در پاتوق‌مان گوشی‌های سرقتی را به مشتریان می‌فروشد. البته ما بیشتر گوشی‌های آیفون گرانقیمت را سرقت می‌کنیم و هر کدام را به قیمت حداقل ۷میلیون تومان به فروش می‌رسانیم. متهم در توضیح بیشتر وضعیت زندگی‌اش هم گفت: وقتی که هشت‌ساله بودم پدر و مادرم به علت اعتیاد پدرم از هم طلاق گرفتند. در سن ۱۰ سالگی بود که اولین بار مرتکب جرم شده و بازداشت و به کانون منتقل شدم و مدت دو سال را در کانون اصلاح و تربیت سپری کردم. متهم گفت: من از چند سال قبل شروع به ورزش پارکور کردم تا اینکه به عضویت این باند در آمدم و مشغول سرقت بودم که بازداشت شدم.

سرهنگ شاپور بهرامی، رئیس کلانتری ۱۰۱ تجریش گفت: همزمان با انجام تحقیقات بیشتر از متهم بررسی‌ها برای بازداشت سایر اعضای باند در جریان است.

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پژو ۲۰۶ تیپ ۲ مدل ۱۳۸۳ به رنگ خاکستری متالیک به شماره پلاک ایران ۵۹ - ۲۹۸ س ۱۱ به شماره موتور FSS14744225 و شماره شاسی 83628528 متعلق به آقای رسول ملاح فرزند احمد مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. گلستان

آگهی مفقودی

پروانه مطلب جناب آقای دکتر محمد مرادی به شماره نظام پزشکی ۷۳۹۰۱ و شماره پروانه ۸۰۰ -۷۳۹۰۱-۱۶۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ایلام

آگهی مفقودی

برگ سبز، برگ کمپانی،کارت ماشین، سند قطعی دفترخانه خودرو سواری ریو تیپ ال اس ۱۵۰۰ مدل ۱۳۸۶ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۳۸ - ۹۹۹ ی ۹۲ به شماره موتور1028437 و شماره شاسی NAS61002271130153 متعلق به آقای سینا مهین ترابی با کدملی ۱۳۱۱۹۸۱۲۴۰مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. البرز

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند کمپانی خودروسواری سمند LX تیپ LXXU7 مدل ۱۳۹۱رنگ سفید روغنی به شماره پلاک انتظامی ایران ۵۳ - ۴۶۳ ط ۱۱به شماره موتور 124K0130423 و شماره شاسی 622925 - NAAC91CC8DF متعلق به آقای محمد علی ایزدی وصفی فرزند غلامحسین مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. اصفهان

آگهی مفقودی

سند کمپانی خودرو سواری پژو پارس مدل ۱۳۷۹ به رنگ بژ متالیک به شماره پلاک ایران ۵۹ - ۹۷۲ س ۱۶به شماره موتور ۲۲۸۲۷۹۰۳۲۶۶و شماره شاسی ۷۹۸۰۲۴۵۳ متعلق به خانم سوسن بیاتی مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. گلستان

آگهی مفقودی

کلیه مدارک و سند کمپانی خودروی سواری پژو پارس مدل ۱۳۸۸ رنگ سفید روغنی به شماره موتور 12488203582 و شماره شاسی NAAN01CA5AE667438 به شماره انتظامی ۲۰ ایران ۹۶۲ ل ۱۶مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. تبریز

آگهی مفقودی

برگ سبز و کارت شناسایی خودرو سواری وانت آریسان تیپ PU1OHVG CNG مدل ۱۳۹۵به رنگ سفید به شماره پلاک ایران ۲۱ - ۶۷۷ و ۳۹ به شماره موتور 118J0030330 و شماره شاسی NAAB66PE2G7663460 متعلق به آقای محمد رجبی با کدملی ۵۸۸۹۹۰۷۱۲۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. البرز

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری تویوتا کمری 2400 g مدل ۲۰۰۷ به شماره پلاک انتظامی ایران ۹۳ - ۶۸۵ ص ۵۴ به شماره موتور 2aza335723 و شماره شاسی 6t1be42k27x381108 متعلق به خانم زهرا محسنین با کدملی ۲۴۳۱۹۶۹۴۶۰مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز

آگهی مفقودی

برگ سبز موتورسیکلت آرتا مدل ۱۳۸۶ به رنگ نقره‌ای به شماره پلاک ایران ۴۴۲ - ۷۱۲۴۸ به شماره موتور ۸۵۱۲۰۲۲۰ و شماره تنه ۸۶۰۱۰۴۱ متعلق به آقای شعبان صفرعلی پور صادره از اردبیل مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. اردبیل

آگهی فقدان مدرک تحصیلی

مدرک فارغ التحصیلی اینجانب امیر عباس چگینی فرزند مجید به شماره شناسنامه ۷۴۷ شماره ملی ۳۹۳۲۸۱۴۱۵۰ صادره از ملایر در مقطع کارشناسی رشته الهیات گرایش فقه و حقوق صادره از واحد دانشگاهی سمنان با شماره ۰۳۱۸۰۱۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان به نشانی: سمنان، کیلومتر ۵ جاده سمنان دامغان، مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان ارسال نماید. سمنان

آگهی مفقودی

برگ سبز و برگ نقل و انتقالات خودرو سواری سمند تیپ LX XU7 CNG مدل۱۳۹۱به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ایران ۶۸ - ۹۳۹ ط ۶۵ به شماره موتور 124K0042182 و شماره شاسی NAACA1CB6CF405310 متعلق به آقای سعید پاکدل نسب با کدملی ۰۳۲۲۴۲۰۱۶۴مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. البرز

آگهی مفقودی

برگ سبز خودرو سواری پراید مدل ۱۳۸۵به شماره پلاک انتظامی ایران ۹۴ - ۷۶۸ ب ۱۵به شماره موتور ۱۵۹۰۵۰۰ و شماره شاسی S1412285234345 متعلق به آقای راشد احمدی زاده زهرایی با کدملی ۳۴۲۰۴۷۹۸۱۶ مفقود گردیده و از درجه اعتبارساقط می‌باشد. شیراز